

دادستان استانبول: خاشقجی خفه و تکه تکه شد

صفحه ۱۵

پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۷ | ۲۲ صفر ۱۴۴۰ | اول نوامبر ۲۰۱۸ | سال دهم | شماره ۲۵۷۲ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان



قاتل خاشقجی صاحب ایران اینترنشنال

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | Vol.10 | No.2573 | Thu.Nov.01, 2018 | ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۲۳۹ روز گذشت

تیتراژ امروز

نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات ۵ متهم ارزی در دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم مفسدان و اخلاکران اقتصادی برگزار شد

آغاز محاکمه صراف‌ها

صفحه ۵

نگاهی به سفر بنیامین نتانیاهو به عمان

قابوس بی قاموس

صفحه ۱۵

با صدور بیانیه‌ای و با تأیید محتوای نامه به آیت‌الله شبیری زنجانی اعلام شد

حمایت جامعه مدرسین از آیت‌الله یزدی

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از روابط اقتصادی ایران با شرق و فرصت‌هایی که از دست می‌رود

چرا دیپلماسی اقتصادی تعطیل است؟

■ ایران ۷ ماه است در چین سفیر ندارد

صفحه ۳

خرده‌روایت‌های خبرنگار «وطن امروز» از تجربه حضور به عنوان خادم حرمین عسکرین در ایام ربیعین

خانه پدری

صفحه ۱۳

دیدگاه

علاجی به نام پیمان پولی دوجانبه

■ سمیرا کریمشاهی

حدود نیم قرن می‌شود که آمریکا با حذف پشتوانه طلا از دلار به عنوان پول مرجع مبادلات بین‌المللی، گام بزرگی در راه تبدیل دلار به ابزار سلطه بر جهان برداشت. نظام بین‌الملل بتدریج فهمید که دیگر دلار نه تسهیل‌کننده روابط تجاری، بلکه بسان چماقی در دست‌ان آمریکاست تا با آن هر که سر ناسازگاری با آن برداشت بر سرش بکوبد.

این مقممه‌ای شد تا اندیشه پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه یعنی حذف دلار از چرخه روابط تجاری با جایگزین کردن پول ملی ظهور کند، به خصوص بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ که انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه رشد قابل توجهی را تجربه کرد.

کشورهایی مانند ایران که در معرض انواع تحریم‌های ایالات‌متحده قرار گرفته‌اند با حربه پیمان پولی می‌توانند تا حدود زیادی اثرات تحریم را خنثی کنند.

بر همین اساس در برنامه ششم توسعه کشورمان چنین ایده‌ای گنجانده شد و در ماده ۱۳ آمده: «وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است نسبت به ایجاد و انعقاد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه و همچنین پیمان‌های پولی دوجانبه با کشورهای طرف تجاری و هدف بویژه کشورهای منطقه اقدام کند. در اجرای این ماده رعایت قوانین و سیاست‌های کلی نظام بر اساس عزت، حکمت و مصلحت ضروری است.»

در چند ماه گذشته هم با توجه به عهدشکنی آمریکا و اقدام به تشدید و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، طرحی ۷ ماده‌ای به صورت یک‌فوری در مجلس اعلام وصول شد که به دنبال ارائه راهکار جدید مقابله با تحریم‌های آمریکا و همچنین انعقاد پیمان‌های پولی با ۲۴ کشور است.

در ماده ۳ این طرح آمده است: «بانک مرکزی موظف است پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه به منظور استفاده از ارزهای ملی در دریافت‌ها و پرداخت‌های تجاری و اقتصادی را با حداقل ۲۴ کشور چین، روسیه، هند، ترکیه، پاکستان، برزیل، عراق، ژاپن، کره جنوبی، آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان، ارمنستان، قطر، عمان، قزاقستان، سنگاپور، تایلند، اندونزی، بلاروس، سریلانکا، لبنان، سوریه و مالزی منعقد و اجرایی کند.»

ادامه در صفحه ۱۲

اروپای بدهکار طلبکار شد!

در سایه انفعال وزارت خارجه و عدم پیگیری جدی حضور تروریست‌ها در اروپا حالا دانمارک هم با ادعای تلاش ایران برای برخورد با عوامل جنایت اخیر اهواز یک ایرانی را دستگیر و سفیر ایران را احضار کرده است

صفحه ۲



روابط دانمارک با کپنهاگ را منوط به دستگیری

تحلیل کلامی نامه آیت‌الله یزدی به آیت‌الله شبیری

■ حجت‌الاسلام والمسلمین رضا برنجکار

را کردیم و رفتیم نسبت به یکی از مراجع بزرگوار اعتراض کردیم و گفتیم شما فلان کار را کردید. اشکال هم راجع به همین مسائل سیاسی بود. ایشان هم با نهایت بزرگواری برخورد کردند و شروع کردند گفتند این هم هست، آن هم هست، ما نسبت به معصوم هم می‌توانیم سؤال بپرسیم و بگوییم این مطلبی که می‌گویید در کجای قرآن آمده است ولی نسبت به مراجع حق اعتراض هم داریم و ممکن است ما موضع‌گیری‌های غیرفتوایی آنها را قبول نداشته باشیم. حالا چه برسد به اینکه ۲ تا فقیه و ۲ کجای قرآن است و ما جواب می‌دهیم. به معصوم نمی‌شود اعتراض و نقد کرد، چون عین واقعیت را می‌گویید و هیچ مسلمانی که خدا و نبوت و امامت امام معصوم را قبول دارد، نمی‌تواند به امام معصوم اعتراض کند اما غیر امام معصوم اینجوری نیست. بزرگی، بلکه نسبت به مراجع دیگر اعتراض داشته باشند و همین کار را هم گاهی صریح و گاهی با رفتارشان می‌کنند. هم در فتوا همدیگر را در خلال درس‌هایشان نقد می‌کنند و هم در موضع‌گیری‌ها نظر همدیگر را قبول ندارند.

این حرفی که وقتی کسی مجتهد یا مرجع شد، کسی حق حرف زدن ندارد، چون ایشان مطلق نظر خودش عمل کرده ولی آقای فلاخی که اولاً مجتهد نیست، ثانیاً اگر مجتهد بود باز هم نمی‌توانست، حرف‌هایی است که برخلاف مسلمات امامیه و شیعه در حوزه علمیه زده می‌شود. اینها نشان می‌دهد علم کلام باید در حوزه تقویت شود و اعتقادات ما ضعیف است یا اینکه آقایان جناحی برخورد می‌کنند، یعنی در موضع‌گیری‌هایشان به جای اینکه به علم و فقه‌شان مراجعه کنند، وقتی از چیزی خوششان نمی‌آید، بر اساس منافع جناح‌شان حرف می‌زنند؛ از آن آقاخوشش نمی‌آید موضع می‌گیرد، با این جناح بد است موضع می‌گیرد.

بله! یا ولی فقیه هم جایی که حکم می‌کند، نمی‌توان اعتراض کرد، چون حکم ولی فقیه حجت است. به ولی فقیه در حکمش و مرجع تقلید در فتوایش نمی‌توان اعتراض کرد. در غیر این مورد با احترام و ادب می‌توانیم اعتراض کنیم. در آخر باز عرض می‌کنم این ۲ بزرگوار هر دو فقیه‌اند، هر دو محترمند و هر دو باید حفظ شوند. ناراحتی خودم را هم از بی‌احترامی‌هایی که افرادی به یک طرف یا هر دو طرف انجام داده‌اند، ابراز می‌کنم. مثل همه انسان‌هایی که می‌توانند نظر بدهند هم نظر را می‌گویم.

■ استاد کلام و رئیس انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه

داشته که ما نباید آنها را فراموش کنیم. اگر ایشان و امثال ایشان جامعه مدرسین را تشکیل نمی‌دادند و مرجعیت امام را تثبیت نمی‌کردند، چه ساس این انقلاب اصلاً شکل نمی‌گرفت. جامعه مدرسین در شکل‌گیری انقلاب نقش اساسی داشته است و امام هم درباره جامعه مدرسین گفته‌اند که پناه ببرد به جامعه مدرسین و اگر این کار را نکنید به دامن اسلام آمریکایی می‌افتید. حتی در خصوص آقای یزدی امام چقدر از ایشان تقدیر کردند و ایشان را از اعضای شورای نگهبان قانون اساسی قرار دادند. اوایل انقلاب که میان نیروهای انقلاب و بنی‌صدر درگیری بود، امام شورای ۳ نفره‌ای تشکیل دادند و شهید بهشتی و دیگر آقایان انقلابی آیت‌الله یزدی را به عنوان نماینده خودشان معرفی کردند. ما هیچوقت این فراموش نمی‌کنیم و خدمات ایشان نباید فراموش شود.



البته آیت‌الله شبیری زنجانی هم سرور ما و از استوانه‌های حوزه هستند. احترام هر دو واجب است. در این موضع‌گیری‌ها دیدیم که به این عنوان که شما جنگ انداخته‌اید به صورت آیت‌الله شبیری، آمده‌اند جنگ انداخته‌اند به صورت آیت‌الله یزدی. اگر جنگ انداختن به صورت علما اشکال دارد، شما چند برابر به صورت علما جنگ انداختید. شما چند برابر بی‌احترامی کردید. بنا بر این احترام هر دو واجب است نه فقط یکی.

اما از آنجایی که اشتغال عمده من در حوزه در زمینه علم کلام است، این نکته را عرض می‌کنم که بعضی از آقایان گفتند آیت‌الله شبیری مجتهد مسلم است و کسی حق نقد و اعتراض به ایشان را ندارد. جالب است بعضی که چنین حرفی را می‌زنند کسانی هستند که قبلاً گفته بودند شما حق اعتراض به معصوم را هم دارید. اصلاً مثل اینکه ما باید با بعضی از اینها بحث اعتقادی بکنیم که آیا شما قائل به معصوم بودن مرجع تقلید هستید یا مثل اهل سنت قائل به تصویب هستید؟ اهل سنت هم که قائل به تصویب هستند، درباره فتوا می‌گویند وقتی مجتهد فتوا داد در لوح محفوظ ثبت شده و در نتیجه حکم واقعی همان می‌شود؛ نه درباره رفتارها و موضع‌گیری‌ها و عکس‌انداختن‌های معمولی. یعنی چه که نمی‌شود مجتهد و مرجع تقلید غیر معصوم

یادداشت امروز

اروپای صد چهره

■ محمد سعیدی

این روزها، درست در آستانه ایامی که اروپاییان قصد دارند پس از تأخیری طولانی، هدفمند و البته ادامه‌دار، سازوکار نصف‌ونیمه و امتحان پس نداده خود را برای مواجهه با بخش کوچکی از تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه کشورمان ارائه کنند، بار دیگر شاهد شاتل تبلیغاتی دیگری از سوی سران قاره سبز علیه ایران اسلامی هستیم! این بار قرعه به نام دانمارک‌ها افتاده است تا به «نوک پیکان» حملات اروپا علیه کشورمان تبدیل شوند. صورت مساله مانند همیشه از یک «ادعا» آغاز شده و در کسری از ثانیه، به «گزاره قطعی» تبدیل و سپس بر مبنای آن، «حکم» صادر شده است! این بازی نخبه‌های اروپایی، حداقل برای ایرانیانی که سال‌هاست با چهره مزورانه سران اروپا روبه‌رو هستند، ناآشنا نیست! «فین بورج اندرسون» رئیس سرویس امنیتی دانمارک ادعا کرده دستگاه اطلاعاتی ایران برای حمله به رئیس گروهک تروریستی الاحواز به در خاک این کشور اروپایی برنامه‌ریزی کرده است! «اندرسون» اعلام کرده چنین موضوعی از سوی کپنهاگ و دیگر بازیگران اروپایی قابل قبول نیست! فراتر از آن، دانمارک اعلام کرده است به تلاش‌های خود برای تحریم ایران (!) به همراه دیگر اعضای اتحادیه اروپا ادامه می‌دهد.

۱- رئیس سرویس امنیتی دانمارک به عنوان فردی که کشور متبوعش حامی قاتل قربانیان بی‌گناه و مظلوم حادثه اخیر اهواز است، روی «جرم محرز» خود و دولت کپنهاگ در حمایت از تروریسم و کشتار مردم ایران سرپوش نهاده و به جای آن، یک «ادعا» را مطرح کرده و روی آن ماتور داده است! پدیده‌ای است دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ما باید قبل از اینکه شاهد چنین جسارتی از سوی دانمارک‌ها باشیم، روابط دوجانبه با کپنهاگ را منوط به دستگیری

۲- تیرماه امسال، شاهد سفر رئیس‌جمهور کشورمان به اتریش و سوییس بودیم. درست در حالی که آقای روحانی مشغول دیدار با سران اروپایی و رایزنی با آنها بود، شاهد مانور تبلیغاتی گسترده دستگاه‌های امنیتی و سیاسی غرب درباره ماجرای بمب‌گذاری در نشست مناقضین کوردل در پاریس بودیم. آن زمان نیز رمز میان «ادعا»، «اتهام»، «جرم» و «مجازات» به‌گونه‌ای توسط مقامات ارشد اروپایی (آن هم به صورت عامدانه) خلط شد که ایران پلافاصله در ماجرای ساخته و پرداخته توسط کشورهای اروپایی، «مقصود مطلق» قلمداد شود. سوال اصلی اینجا است: میان مانور تبلیغاتی - سیاسی اخیر مقامات دانمارکی علیه کشورمان و مانور قبلی سران اروپایی بر سر موضوع بمب‌گذاری در نشست مناقضین چه ارتباطی وجود دارد؟ به عبارت بهتر، چه نقاط تلاقی و اشتراکی میان این ۲ پدیده وجود دارد؟

۳- واقعیت امر این است که کشورهای اروپایی در گلوگاه‌های زمانی حساس، از جمله تیرماه و آبان‌ماه امسال ضمن مطرح کردن پرونده‌های امنیتی علیه کشورمان، از یک سو زمینه را جهت «امتیازدهی بیشتر ایران» در مذاکرات با خود آماده کرده و از سوی دیگر، نظر ایالات‌متحده آمریکا مبنی بر «عمل فشارهای مستمر سیاسی علیه ایران» را رامین می‌کنند همان گونه که بارها تأکید شده است، در این باره میان دستگاه‌های امنیتی ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی هماهنگی کامل و همه‌جانبه‌ای وجود دارد. به عبارت بهتر، سخن گفتن از «فتار مستقل امنیتی اروپا» در قبال ایران، ساده‌انگاری مطلق محسوب می‌شود!

۴- سخن اصلی نگارنده در این میان، با مسئولان دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان است. بدون شک تکرار «کرشمه امنیتی مقامات اروپایی»، آن هم با چاشنی تهدید و تحریم ایران بیش از آنکه معلول بازی هماهنگ کاخ سفید و...

ادامه در صفحه ۱۲